

فهرست

٧	الدرس الاول: من آيات الأخلاق
١٦	الدرس الثاني: في محضر المعلم
٢٧	الدرس الثالث: عجائب الأشجار
٣٧	الدرس الرابع: آداب الكلام
٤٩	الدرس الخامس: الكذب يفتاح لكل شر
٦١	الدرس السادس: أنه ماري شيمل
٦٩	الدرس السابع: تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية
١٠٢	باستقامه تشریحی

الدرس الأول

من آيات الأخلاق

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن﴾ والحجرات ٢١
 های کسانی که ایمان آورده‌اید بسیار از گمان بپرهیزید

﴿يا أيها الذين آمنوا لا يصخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم ولا يساء من يساء عسى أن يتكف خيراً منه﴾ ولا تمشروا بالألقاب. يفسن الاسم فسوقاً تغذ الإيمان. و من تم يثب فأولئك هم الظالمون. يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن. إن بغض الظن إثم. و لا تجسوا و لا تقتب بغضكم بغضاً أجبك أخذكم أن يأكلن لحم أخيه ميتاً فكر شهوة و اتقوا الله إن الله تواب رحيم﴾

صخر من مسخره كرد (صخر، يشخر، مصدر، مخرجة)	إثم، گناه - ذنب
لا يشخر، نباید مسخره کند.	تجسس، جاسوسی کرد (تجسس، يتجسس)
عصى، شاید - زتما	إغتاب، غیبت کرد (اغتاب، يغتاب)
أن يتكف، که باشند (کان، يتكون)	لا تقتب، نباید غیبت کند.
أن يتكونوا، که باشند (کان، يتكون)	تغص - بغض، یکدیگر
لتز، عیب گرفت. (مহারج، يلجز)	لحم، گوشت (جمع، لحم)
قتاب بالألقاب، به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (قتاب، يتنابز)	هيشه فرده (جمع، أهوات، هؤتي، ع خي
يفس، بد است.	كره ناپسند داشت. (كره، يتكره)
فسوق، آلوده شدن به گناه	إثمي، پروا کرد (اثمي، يثمي)
تاب، توبه کرد (تاب، يتوب)	إتوا الله، از خدا پروا کنید.
لم يقتب، توبه نکرد.	تواب، بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده



ترجمه متن: های کسانی که ایمان آورده‌اید، باید مردمانی دیگر را ریشخند کنند، شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند و نباید زنانی را (دیگر) را [ریشخند کنند] شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید. آلوده شدن به گناه پس از ایمان، اسم بدی است. و هر کس توبه نکند آنان ستمکارند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیار از گمان (از بسیاری از گمان‌ها) بپرهیزید که بعضی گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر نکنید. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرداش را بخورد؟ این کار را ناپسند می‌دارید و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿خذ يكون بين الناس من هو أحسن منا، فقلنا أن تبعث عن العجب و أن لا تذمر عيوب الآخرين يكلام حفي أو يشاره فقد قال أمير المؤمنين علي (ع): ما أكبر العيب أن تعيب ما هيك مثله﴾

خذ: گاهی، شاید (بر سر مضارع) قد يكون: گاهی می‌باشد	آخرین دیگران
اگر هدهه بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.	
عجب، خودپسندی	حفي، پنهان، ظایر
	عاب، عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مহারج، يعيب)

ترجمه متن: «گاهی میان مردم کسی هست که از ما بهتر است، پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده یا با اشاره ذکر نکنیم. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند: بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی را بجویی که مانند آن در خودت باشد.»

﴿تضحنا الآية الأولى و نقول: «لا تعيبوا الآخرين. و لا تلقوهم بالآتاب يكرهونها. يفسن العمل فسوقاً و من يغفل ذلك فهو من الظالمين﴾

خَرَمٌ، حرام کرد. (خَرَمٌ، يُخَرَمُ)	تصحنا ما را نصیحت می کند. (نا، مفعول)
بشن، بد است.	لقب، لقب داد (لقب، یُلقَبُ)

ترجمه متن: آیه نخست، ما را اندرز می دهد و می گوید: «صیب جویی دیگران نکتید و به آنان لقب هایی که ناپسند می دارند، ندهید آلودگی به گناه بد است و هر کس چنین کند در این صورت از ستمگران است.»

﴿إِذْ نَقَدَ حَرَمَ اللهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

- ① «الاستهزاء بالأخرين، و تسميتهم بالأسماء القبيحة.»
 - ② «سوء الظن و هو اتهام شخصي لشخصي آخر بدون دليل منطقي.»
 - ③ «التجسس، و هو محاولة قبيحة لكشف أسرار الناس يفضحهم و هو من تجاير الذنوب في مكتبتنا و من الأخلاق السيئة.»
 - ④ «و الغيبة، و هي من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس.»
- شئی بغض المُفسرين سورة الحجرات التي جاءت فيها هاتان الآيتان يسورة الأخلاق.

استهزاء، ریشخند کردن (استهزاء، يستهزئ)	فضح، رسوا کردن
تسميته نام دادن، نامیدن (تسمى، يُتسمى)	تجاير، گفتمان بزرگ و مفرد، تمیزه
محاولة تلاش	أهم، مهم ترین
فبيح، زشت	تواصل، ارتباط (تواصل، يتواصل)

ترجمه متن: بنابراین، خدای بلندمرتبه در این دو آیه حرام ساخته است:

- ① «ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن ها با اسم های زشت»
 - ② «بدگمانی و آن عبارت است از اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیلی منطقی»
 - ③ «جاسوسی و آن عبارت است از تلاشی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم و برای رسوا کردنشان که از گناهان بزرگ در آیین ما و از اخلاق بد است.»
 - ④ «غیبت و آن از مهم ترین دلیل های قطع ارتباط میان مردم است.»
- برخی مفسران سورة «حجرات» را که در آن این دو آیه آمده است، سورة «اخلاق» نامیدند.

الأركان للمعرب

معرب	مفرد	متعدد	مترادف
أفح	كبيرة	ساءة خشن	انقر - افح
عسى - زتما	لحم	هيت ء حي	عسى - زتما
إنم - ذئب	هيت	هل ء امتدى	إنم - ذئب
ظلمر - جلي	أخ	التهي ء الأمر	ظلمر - جلي
هيت - هيت	بهيمة	فخوره متواضع	هيت - هيت
عاب - لمرز	فستان	أردل ء افضل	عاب - لمرز
تخير بين - استهرا	يعر	الزوجاني ء النسائي	تخير بين - استهرا
	سراويل	معروف ء فتنر	
	مصانع	صداقة ء عداوة	
	متاجر	غالي ء رخيصة	
	موازن	فبيح ء كره	

معرب	معرب
خبي، بهشتاب	متجر، مغازه
أمدى، مذبه كرد	زميل، منكار، منكلاسى
اللقى، سبيدهدم	تخفيص، تخفيف
غليشه، چيره شد، غلبه كرد	ساءة، بد شد.
جايده ستيز كن، گفت وگو كن	غذبه، عذاب داد.
فلن، همراه شد	لأتمم، تا كامل كنم.
يعر، قيمت (جمع، اسعار)	خشنه، نيكو گردانيدى.
توبيته، جنس	ميران، ترازو (ترازوى اعمال)
المعرفة، شناخت	سكينة، آرامش
بهائم، چاربايان	زاند، بهاشافه
غثارة، بسيار آمرزنده	ناقص، منها
عداوة دشمنى	يُكَلِّفُ، مكلف مى كند.

اسم تفضیل

حروف اصلی و وزن کلمات

در زبان عربی، افعال و بعضی اسم‌ها از سه حرف اصلی و تعدادی حرف زائد ساخته می‌شوند. حروف اصلی که ریشه کلمه هستند کلیت معنی کلمه را مشخص و حروف زائد جزئیات معنی را تعیین می‌کنند.

برای مثال سه حرف اصلی «ح-م-د» را در نظر بگیرید و به کلماتی که می‌تواند از این سه حرف ساخته شود، توجه کنید:
 ح-م-د ← حامد (ستایشگر) / محمود (ستایش شده) / حمد (ستایش) / حَمْدٌ (ستایش کرد) / یَحْمَدُ (ستایش می‌کند)
 در همه این کلمات معنی ستایش وجود دارد؛ ولی با توجه به وزن‌های متفاوت، معنای متفاوتی دارند.
 در سال گذشته با سه نوع اسم که از ریشه فعل ساخته می‌شود، آشنا شدید. (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)

الفاعل	اسم المفعول	الاسم المبالغه
عالم	معلوم	صبار
مَنْزِلٌ	مَنْزِلٌ	عَلَمٌ

در این درس با دو نوع دیگر از این اسم‌ها که از ریشه فعل ساخته می‌شوند، آشنا می‌شوید.
 نام تفضیل، کلمه‌ای است که معنای برتری را در خود دارد و برای مقایسه دو فرد یا دو چیز و یا مقایسه یک فرد یا یک چیز با افراد و چیزهای دیگر به کار می‌رود. در واقع، اسم تفضیل معادل صفت‌های «برتر» و «برترین» در فارسی است.
 در زبان عربی اسم تفضیل بر وزن «أفعل» و «فعلی» ساخته می‌شود. به عنوان مثال اگر سه حرف اصلی «ک-ب-ر» را به این دو وزن بیاورید کلماتی ساخته می‌شود که دلالت بر معنی تفضیلی (برتری) دارند: «ک-ب-ر» ← اکبر، کبری

اما چرا دو وزن؟ تفاوت دو وزن در کاربرد چیست؟

می‌دانید که اسم‌ها در زبان عربی مذکر و مؤنث دارند. «أفعل»، «اسم تفضیل» مذکر و «فعلی»، «اسم تفضیل» مؤنث است.

مثال:

علیُّ أكبرُ التَّمِيزِ في صَفَاةٍ (علی بزرگ‌ترین دانش‌آموزان در کلاس ما است)

رایتٌ أختی الکبری. (خواهر بزرگم را دیدم)

همان‌طور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود: «أكبر» چون به علی اشاره می‌کند بر وزن «أفعل» آمده و «کبری» چون صفت برای اخت است بر وزن «فعلی».

حال به این جمله توجه کنید: فاطمة أكبرُ من زینب. (فاطمه از زینب بزرگ‌تر است)

فاطمه و زینب هر دو مؤنث هستند، پس چرا در این جمله از «أكبر» بر وزن «أفعل» استفاده شده است؟ آیا این جمله نادرست است؟ خیر، این جمله درست است؛ زیرا در زبان عربی اگر بخواهیم دو اسم را با هم مقایسه کنیم همیشه از وزن «أفعل» استفاده می‌شود، حتی اگر هر دو اسم مؤنث باشند. توجه کنید برای مقایسه دو اسم، حرف جز «من» در عربی به کار می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت: قبل از «من» همیشه «أفعل» می‌آید نه «فعلی».

کاربردهای «اسم تفضیل»

نام تفضیل، دو کاربرد دارد:

① به عنوان صفت

علیُّ الأصغر (علی کوچک‌تر) یا فاطمةُ الکبری (فاطمه بزرگ‌تر)

② برای مقایسه بین دو یا چند چیز

جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلِ في ایران. (کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است)

⊗ چگونگی ترجمه «اسم تفضیل»

الف) اگر بعد از نام تفضیل، حرف جز «من» بود، به همراه «تر» ترجمه می‌شود.

آسیا أكبرُ من أوروبا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

ب) اگر بعد از نام تفضیل، مضاف‌إلیه آمده بود، به همراه «ترین» ترجمه می‌شود.

آسیا أكبرُ فَزَاتِ الْعَالَمِ آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

جمع «اسم تفضیل»

برای جمع بستن اسم تفضیل، «افعل» معمولاً وزن «أفعل» به کار می‌رود.

اکبر ← اکابر
افضل ← افاضل

«امکان» بر وزن «أفعل» است، اما به نظر نمی‌آید که اسم تفضیل باشد؟ درست است که برای جمع بستن اسم تفضیل، معمولاً آن را به وزن «أفعل» می‌بریم، ولی این به آن معنی نیست که هر اسمی که بر وزن «أفعل» باشد اسم تفضیل است. حتماً باید به معنای کلمه و مفرد آن توجه کرد، به همین دلیل «امکان» جمع «مکان» به معنی «جاها، مکان‌ها» اسم تفضیل نیست.

بررسی دو کلمه «خیر» و «حسن»

این دو کلمه گاهی اسم تفضیل هستند. برای این که مشخص شود اسم تفضیل هستند یا خیر باید به کاربرد و معنای آن‌ها در جمله توجه شود: اگر این کلمه‌ها به همراه «تر» یا «ترین» ترجمه شوند، اسم تفضیل هستند. دقت داشته باشید این کلمات در دو حالت حتماً اسم تفضیل هستند اول این که اگر پیش از حرف جرّ «من» قرار داشته باشند و دوم در صورتی که مضاف واقع شوند.

مثال: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. (بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست) / تَنْكُرُ سَاعَةَ خَيْرٍ مِنْ يَبَادَةِ تَبَعِينَ تَنَةً. (ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است) در جمله اول «خیر» مضاف است و در جمله دوم «خیر» پیش از «من» قرار دارد.

گاهی این کلمه‌ها معنی اسم تفضیل ندارند و ممکن است معادل «خوب» و «بد» ترجمه شوند و یا معنای مصدری داشته باشند: یعنی معادل «خوبی» و «بدی» ترجمه شوند.

مثال: الخَيْرُ فِي مَا يُرِيدُ رَجِيًّا. (خوبی در آن چیزی است که پروردگارم می‌خواهد)

«اسم مکان»

اسم مکان بر محل انجام کار دلالت دارد و از ریشه فعل ساخته می‌شود.

«مکتب» کتابخانه، اسم مکان است که از فعل «كَتَبَ» ساخته شده است.

اسم مکان بر وزن‌های مختلفی می‌آید، «مفعل»، «مفعِل»، «مفعلة» و وزن «مفَعَّل» پرکاربردتر است.

مَلْعَب - ورزشگاه (محل بازی کردن)	مَطْعَم - رستوران (محل غذاخوردن یا طعام خوردن)
مَصْنَع - کارخانه (محل ساختن و صنعت)	مَطْبَع - آشپزخانه (محل پختن و طبع کردن)
مَحْضَب - کجاوه (محل حمل کردن)	مَثَرَل - خانه (محل نشستن)
مَكْتَبَة - کتابخانه (محل کتاب خواندن)	مَطْبَعَة - چاپخانه (محل طبع کردن یا چاپ کردن)

معمولاً جمع اسم مکان بر وزن «مفاعِل» است: مانند مدارس، ملاعب، مطاعم و منازل

آیا می‌توان گفت هر کلمه‌ای که بر وزن «مفعِل» یا «مفاعِل» باشد حتماً اسم مکان است؟ در تشخیص اسم مکان دقت داشته باشید که هم وزن مهم است و هم معنا. به عنوان مثال «المصنف» مکان هست: اما اسم مکان نیست یا «هلینس» بر وزن «مفعِل» است: اما اسم مکان نیست.

عَرَبِ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ

۱) أَكْثَرُ فَيْتَامِينَ لِلْبُرْتَالِ فِي قَشْرِهِ.

۲) أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

۳) تَلُّ الصَّاعِبِ تَهِيْمٌ رَكِيًّا فِي الْفُلُوتِ.

«اکثر» در جمله اول و «خیر» در جمله دوم اسم تفضیل هستند. در جمله اول چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه آمده است به صورت «بیشترین» ترجمه می‌شود و در جمله دوم، بعد از اسم تفضیل، «من» آمده لذا به صورت «بهرتر» ترجمه می‌شود.

در جمله سوم «صاعِب» بر وزن «مفاعِل» اسم مکان است و مفرد آن «مصعب» است.

اختیار المسند

ترجم الجمل ثم ضع خطأ تحت اسم التفضيل و خطين تحت اسم المكان.

- ١ الإعجاب بالنفس من أفعال الأعمال.
- ٢ افتتح أكبر مكتبة في مدرستنا.
- ٣ أكلنا في المطعم الأ طعام.
- ٤ الحياة حسن ولكن في النساء أحسن.
- ٥ خير إخوانكم من أهدى إليكم صوبكم.
- ٦ شئ الناس من لا يعتقد الأمانة.
- ٧ تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة.
- ٨ ذلك قنجر صديقي.



اشكالي با برني سوالات چكار گرنداني

عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- ١ لون القراپ أسود و هو لون جميل.
- ٢ إن القرآن يهدي للتي هي اقوم.

- ٣ شئ الناس من لا يعتقد الأمانة.
- ٤ البافيات الهالعات خير عند ربك ثواباً.

وزن «اسم تفضيل» در مذکر «افعل» و در مؤنث «فعلی» و جمع آن «افاعل» است. «خیر و شر» به معنی بهتر و بدتر (بهترین، بدترین) «اسم تفضیل» است.

در ضمن رنگ‌ها و عیب‌ها بر وزن «افعل، فعلاء» «اسم تفضیل» نیستند: لذا گزینه ١ نارای «اسم تفضیل» نیست. و «اسود، سیاه» رنگ است در سایر گزینه‌ها، و «شر، اقوم، خیر» «اسم تفضیل» هستند.

عین ما فيه اسم المكان في محل الجار والمجرور:

- ١ سلام مي حتى مطلع النجر.
- ٢ ما وجدت حقيتي في المطار.
- ٣ رأيت الشجادة العتيقة في التحف.
- ٤ رأيت مناظر جميلة في الريف.

«اسم مكان» بر مکان انجام کار دلالت می‌کند و بر وزن «فعل، فعمل، فعمل، فعمل» می‌آید و جمع آن‌ها بر وزن «ففاعل» است. در گزینه ١ «مطلع» بر وزن «فعل» است و بر زمان دلالت می‌کند. در گزینه ٣ «متحف» به معنی موزه، بر وزن‌های «اسم مكان» نیست. در گزینه ٢ «الريف» روستا و نیز مکان هست: اما بر وزن‌های داده‌شده نیامده، پس «اسم مكان» نیست.

گزینه ٢ درست است: «مطار» بر وزن «فعل» و «اسم مكان» و در نقش جار و مجرور است.

عین عبارة يوجد فيها اسم التفضيل:

- ١ اشترى أبي أساور من الفضة لأختي.
- ٢ اللون الأخضر هو اللون المفضل في العالم.
- ٣ خير الأمور أختارها.

«خیر، بهتر» و «أختار (أختي)، پنهان‌ترین»، «اسم تفضیل» هستند. پس گزینه ٣ درست است.

در گزینه‌های ١ و ٢، «أساور» بر وزن «افاعل» و «دستبندها»، «أخضر، سبز» و «اسم تفضیل» نیستند و «أعلم» در گزینه ٢، فعل است.

في أي عبارة لا نجد اسم المكان؟

- ١ في هذا المتجر نجد الألبسة الجميلة
- ٢ جعل البائع مقادير من المواذ الغذائية في المخازن.
- ٣ ذهبت لزيارة مقبرة الإمام الرضا (ع) إلى مشهد.
- ٤ تجد الملابس النسائية في هذا الأتكان.

«اللباس» بر وزن «ففاعل» است: اما بر مکان دلالت نمی‌کند و «الأتكان» محل است: اما «اسم مكان» نیست: لذا در گزینه ٢ «اسم مكان» نمی‌یابیم و در سایر گزینه‌ها «المتجر، مقبرة، مشهد، مخازن» «اسم مكان» است.

عین الخطأ في استخدام اسم التفضيل:

- ١ القرية أجمل من المدينة.
- ٢ تلك التلميذة تجرى من هذه التلميذ.
- ٣ دعائون من أعلى الجبال.
- ٤ صديقتي الكبرى سافرت إلى مشهد.

برای مقایسه دو اسم مؤنث از «اسم تفضیل» مذکر استفاده می‌شود: لذا در گزینه ٢ که مقایسه این دانش‌آموز با آن دانش‌آموز است باید از لفظ مذکر «أكبر» استفاده کرد. پس گزینه ٢ نادرست است.

۹. أَكْبَرُ الْغَيْبِ أَنْ تُعَيَّبَ مَا فِيكَ مِنْهُ.
۱۰. هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ يَكْشِفُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفُضْجِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.
۱۱. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّعِ بَيْنَ النَّاسِ.
۱۲. إِنَّ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ.
۱۳. اشْتَرَيْتُ قَمِيصًا أَيْضًا مِنْ مَتَجِرٍ صَدِيقِي.
۱۴. مِنْ سَاءِ شُكْلِهِ عَدَّبَ نَفْسَهُ.
۱۵. يَا سِتَارَ الْعَيُوبِ وَ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ.
۱۶. أَيْجِبُ أَخَذَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ نَحْمَ أَخِيهِ مِمَّا تَكْفُرُ بِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ.
۱۷. فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

(ب) کتل الفراضات في الترجمة الفارسية.

۱۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ غَضِيَ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لَا يَسَاءَ مِنْ لِسَاءٍ.
۱۹. ای کسانی که نباید مردمانی مردم دیگر را شاید آن‌ها از خودشان باشند نه زانی زتان (دیگر) را.
۲۰. هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ يَكْشِفُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفُضْجِهِمْ.
- آن زشت برای کشف اسرار مردم است.
۲۱. تَضَخْنَا الْآيَةَ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا نَعْبُدُ إِلَّا الْآخِرِينَ.
- آیه و می‌گوید: از دیگران
۲۲. فَعَلِينَا أَنْ نُبْعِدَ عَنِ الْعَجَبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ.
- بر ما لازم است که از و این که عیب‌های دیگران را
۲۳. خَيْرَ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عَيْبَكُمْ.
- بهترین کسی است که را به شما
۲۴. لَا يَكْتَفِ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَوَسْعَهَا.
- خداوند کسی را جز
۲۵. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْخَسِرِ.
- در چیزی از نیست.

(ج) انتخاب الترجمة المناسبة.

۲۵. إِذَا بُعِثَ لَأَنْتُمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.
- الف) فرستاده شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را تمام کنم.
- ب) مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق تمام شود.
۲۶. هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ.
- الف) او داناست به آن کس که از راهش گمراه کرد.
- ب) او داناتر است به کسی که از راه او گمراه شد.
۲۷. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنْهُ.
- الف) گاهی بین مردم کسی است که از ما برتر است.
- ب) بین مردم کسی است که از ما برتر بوده است.
۲۸. الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ وَ الْإِثْمِ.
- الف) ای کسانی که ایمان آوردید بسیار از گمان و گناه پرهیزید.
- ب) کسانی که ایمان آوردند از بسیاری گمان و گناه دوری کردند.
۲۹. لَا تَقْرَبِينَ
- الف) نزدیک نمی‌شوید.
- ب) نزدیک نکنید.
۳۰. عَلَّمَنَ
- الف) آموزش دادند.
- ب) آموزش دهید.

۳۱. ما انگشترنا (الف) نشکستم.
۳۲. آهڙيئا (الف) هديه داديم.
(ب) نشکسته ايم.
(ب) هدايت کرديم.

پيش سوال

- (الف) عین المطلوب متک.
۳۳. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا. (اسم التفضيل، المضاد إليه)
۳۴. أَكْبَرُ الْفَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِنْهُ. (المبتدأ، الجار و المجرور)
۳۵. هُوَ لِحَاوَلَتِهِ قَبِيحًا يَكْشِفُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضْلِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَالِ الذُّنُوبِ (جمع المكسر)
۳۶. الثَّقِيْنَةُ مِنْ أَهْلِ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاقُلِ بَيْنَ النَّاسِ. (مصدر افعال گروه دوم، اسم التفضيل)
۳۷. إِنْ رَتَكَ أَعْلَمَ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ. (الفعل الماضي، اسم التفضيل)
۳۸. اشْتَرَيْتُ قَمِيصًا أَيْضًا مِنْ مَتَجَرِّ صَدِيقِي. (اسم المكان، الصفة)
۳۹. مِنْ مَاءٍ حُلِقَتْهُ عَذْبٌ نَفْسِهِ. (الفاعل، المفعول)
۴۰. يَا سَتَرَ الْعُيُوبِ وَ يَا عِلَامَةَ الْفُيُُوبِ. (اسم المبالغة)
۴۱. أَيْجِبُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ دَيْتًا مَكْرَهْتُمْو وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ ثَوَابٌ رَحِيمٌ. (المحل الإعرابي مع في كرهتموه، أحده)
۴۲. فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. (المحل الإعرابي رسول، سكينته)

(ب) اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحَسَابِيَّةَ.

۴۳. تسعون تقسيم على خمسة يساوي ثمانية عشر.
۴۴. عشرون في خمسة يساوي مئة.
۴۵. سبعة عشر زائد ثلاثة عشر يساوي ثلاثين.
۴۶. اثنتا عشرة ناقص أحد عشر يساوي واحد.
۴۷. تسعة و تسعون ناقص ثلاثة وثلاثين يساوي ستة و ستين.

(ج) عَيْنُ الْمَطْلُوبِ فِي الْعِبَارَاتِ وَ التَّرَاكِيِبِ التَّالِيَةِ.

۴۸. مِنْ أَكْبَرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا الْاِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ.
اسم التفضيل: الجار و المجرور: المصدر:
۴۹. لَا تُقْبِوْهُمُ بِالْقَابِ يَكْرَهُوْنَهَا.
فعل النهي: جمع المكسر: المحل الإعرابي ضميرها:
۵۰. يَا غَفَّازَ الذُّنُوبِ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ.
اسم الفاعل: اسم المفعول: اسم المبالغة:
۵۱. رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.
فعل الأمر: ضمير دوم شخص: المحل الإعرابي أرحم:
۵۲. شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَدُّ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.
اسم التفضيل: المحل الإعرابي الخيانة: نوع الفعل: لا يعتد:
۵۳. إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَنْفَاضُ.
المحل الإعرابي الأنفاض: مفرد أنفاض: معنى أراذل:

٥٤. نصحنا الآية الأولى.

الفاعل: _____ المفعول: _____ الصفة: _____

٥٥. انتخب الجواب الصحيح.

٥٥. إنما بعثت لأتكم مكارم الأخلاق. (فعل المجهول: (أتتم، بعثت)

٥٦. إن بعض الظن إثم. (مترادف إثم: (ذنب، ذنب)

٥٧. اتهام شخصي لشخص آخر بدون دليل منطقي. (كلمة مناسبة لهذه العبارة: (التجسس، سوء الظن)

٥٨. خير إخوانكم من أهدى إليكم سيوبكم. (اسم التفضيل: (أهدى، خير)

٥٩. الشعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل. (الخبر: (أمر، معرفة)

٥٨. كمل الجدول التالية.

الحروف الأسيّة	المصدر	الشي	الأمر / التهي	المضارع	الماضي
_____	إحسان نيكي كردن	لا تحسّنون نيكي نسي كتيډ	أحسّنوا	تحسّن	لدا أحسنت
_____	اجتناب دوري كردن	لا تجتنب _____	اجتنبوا	سوف يجتنبان	اجتنت
_____	تعذيب عذاب نادن	ما عذبّ _____	لا تعذبّ	تعذبّ	عذبّنا
_____	استرجاع پس گرفتن	لا تسترجعون _____	استرجعوا	تسترجعون	استرجعوا
_____	تعرج نانش آموخته شدن	ما تفرجّ _____	لا تفرجّ	سأفرجّ	تفرجنا
_____	اشتغال كار كردن	لا تشتغلين _____	اشتغل	تشتغلن	لدا اشتغلتم
_____	محاولة تلاش كردن	ما حاولنا _____	حاولي	سوف يحاول	حاول تلاش كرد

٥٩. **بذل مفهومي و حرف**

الف) أجب عن الأسئلة حسب النص.

٦١. بم (بملا) شينة عمل الغيبة؟

٦٢. هل يجوز التجسس على ما فعل زملائي؟

٦٣. أي سورة في القرآن شئت بسورة الأخلاق؟

٦٤. ماهي الأعمال التي تمننا الله من ارتكابها؟

٦٥. لمن هذا الحديث، أكبر القيب أن تعيب ما فيك ومثله؟

٦٦. من هو مخاطب الله في هاتين الآيتين (حجرات ١٢ و ١١)؟

ب) اقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة.

(سراسر السان)

إن أول مسؤولية للمرأة عنايتها بالأسرة. فإن الأخلاقيات التي تراها خارج المنزل ليست إلا نتيجة للبدن الأول الذي يدرته الأم في البيت. فالأم ترسم في ذهن الطفل الغايات التي سيبلغها في حياته. ولذلك نعتقد أن الإصلاح الحقيقي للأمة هو تربية البيت. إضافة على ذلك فمن المسؤوليات الأخرى للمرأة مشاركتها في الخدمات الاجتماعية، و من أفضلها مكافحة (مبارزه) الفقر و مكافحة الجهل و مكافحة المرض.

٦٧. الأم المثالية هي التي _____

- ١) تجمع بين المسؤوليات الاجتماعية و الأسرية.
٢) لا تعمل خارج البيت و تحب أن تكون لها أولاد كثيرون.
٣) تتابع الأمراض و تصبح طيبة و تترك تربية أطفالها.
٤) لا تهتم بالمسؤوليات الاجتماعية و تتمسك بتربية أولادها.

٦٨. كيف تتحقق مكافحة المرض من جانب الأم؟ عيّن الخطأ:

- ١) إذا علمت أبناءها الاجتناب عن الجرائم.
٢) حين أصبحت طيبة و عالجت الأمراض.
٣) إذا مرض الطفل و عالجه الأطباء.
٤) حين قامت بتربية طفلها سالم.

۶۹. ۱) زن کان ۲) یمن ۳) سعیده، زینب ۴) عین‌الضحیح للفراع:
۷۰. ۱) منظور من النص هو ۲) احترام الأم في المجتمع. ۳) اختصاص التربية بالبنات.
- ۱) الطفل / امرأة / يوم - ۲) الإنسان / ثلاثة / لم يتم - ۳) المجرم / بأسره / لم يرتكب
- ۱) عدم أهمية تربية البنين في تقدم المجتمع. ۲) أهمية دور الأم في إصلاح المجتمع.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

بخش واژه

۷۱. عین الجملة التي ليست فيها الأسماء المتضادة:
- ۱) نرشد أولادنا إلى الابتعاد عن الأزدل و التترب إلى الأفاضل. ۲) التجدس من كبار الذنوب لتصح الناس. ۳) أريد حقیبة رعیصة، هذه الأسعار غالية. ۴) تكلف منى كند - توانایی اش - تکلیف کنن - توانایی او
۷۲. عین الصحيح:
- لا یكلف الله نفساً إلا وسعها.
- ۱) تكلف منى شود. - تواناییش ۲) تكلف نشد - فراوانی اش ۳) اردل - افضل / غالي - رعیص ۴) استهراء - شعریة / يتكره - یحبت
۷۳. عین الخطأ:
- ۱) إنم - معصية / أعلى - أسفل ۲) رجال - نساء / ساء - عذبت ۳) أكبر، كبراء ۴) مطعم، قطاعم
۷۴. عین الضحیح عن الجمع:
- ۱) أكبر، كبراء ۲) لحم، الحام ۳) ذنب، اذئاب

بخش ترجمه

- عین الأصح و الأدق في الترجمة:
۷۵. لا تلقبوهم بالقاب یكرهونها
- ۱) به آن‌ها لقب‌هایی که ناپسندشان می‌دارند، تندیید. ۲) به یکدیگر عنوان‌هایی ناشایست تندیید و آن را ناپسند دارید. ۳) باید حجت‌أحدکم أن یأکلن لحم أخیه میتاً فکرتهموء. ۴) آیا هیچ کسی می‌خواهد که گوشت مرده برادرش را بخورد، پس دوری کنید. ۵) آیا کسی از شما دوست داشت که گوشت برادر مرده را بخورد، لذا آن را زشت می‌شمارید. ۶) آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مردش را بخورد، لذا آن را ناپسند می‌دارید. ۷) آیا کسی دوست دارد که گوشت برادر مرده را بخورد، لذا آن را ناپسند می‌دارید.
۷۶. «تصحننا الآية الأولى و تقول: لا تعیبوا الآخرين.»
- ۱) اولین آیه نصیحتان کرد و می‌گوید، عیب‌جویی یکدیگر را نکنید. ۲) آیه نخست، ما را پند می‌دهد و می‌گوید، از دیگران عیب‌جویی نکنید. ۳) آیه اول نصیحتان می‌کند و می‌گوید هرگز از دیگران عیب‌جویی نکنید. ۴) آیه، ابتدا ما را پند می‌دهد و می‌گوید، نباید عیب‌جویی دیگران باشیم.
۷۸. علی الشباب احترام الوالدين خاصة في أيام الشیبة
- ۱) بر جوانان ماست احترام والدین مخصوصاً در زمان پیری آن‌ها. ۲) به‌خصوص در زمان جوانی احترام به پدر و مادر واجب گشته است. ۳) جوانان باید به والدین مخصوصاً در زمان پیری احترام بکنند. ۴) به‌خصوص در جوانی احترام به والدین هنگام سالخوردگی آن‌ها لازم است.
۷۹. «في غابات بلدنا الخضراء أشجارٌ كثيرة.»
- ۱) در جنگل‌های سرزمین ما درختان فراوانی وجود دارد. ۲) در جنگل‌های سرسبز سرزمین ما درختان بسیاری است. ۳) در شهر سرسبز ما جنگل‌هایی با درختان بسیار است. ۴) درختان فراوان در جنگل‌های سرزمین سبز ما وجود دارد.
۸۰. «يوم العدل على القالم أشد من يوم الجور على المظلوم.»
- ۱) روز دادخواهی برستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستم‌دیده است. ۲) عاقبت ستمگری دادخواهی شدید ستم‌دیدگان است. ۳) روز دادخواهی از ستمگر دشوارتر از روزی است که ستم‌دیده دیده شود. ۴) ستمگر باید منتظر روزی باشد که ستم‌دیده انتقام خود را از او بگیرد.

(سرزمین سبز)

(سرزمین سبز)

(سرزمین سبز)

(احرازریه‌ای)

۸۱. **طه‌ایم واجِبٌ علی‌ الجمیع و نحن کسنا هذا العام کالشوات الماضیه.**

۱. بر همگی ما روزه واجب است: لذا ما امسال هم مثل سال‌های گذشته روزه می‌گیریم.
۲. بر جمیع ما روزه گرفتن لازم است: لذا ما مثل سال‌های گذشته روزه دار بودیم.
۳. روزه بر همگی واجب است و ما امسال چون سال‌های گذشته روزه گرفتیم.
۴. روزه‌داری بر جمیع ما واجب می‌باشد ما امسال را همچون سال پیش روزه گرفتیم.

(احرازریه‌ای)

۸۲. **«كان يُعَلِّمُ النَّاسَ كيف يعيشون في سعادة»**

۱. به مردم می‌آموخت چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
۲. مردم آموخته بودند که چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
۳. به مردم یاد داده بود چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
۴. مردم چگونه در خوشبختی زیستن را از او یاد گرفته بودند.

(احرازریه‌ای)

۸۳. **«كان ذلك الزجل يذهب بالبين إلى الشوق لبيعه للناس.»**

۱. آن مرد شیر را به بازار می‌برد تا آن را به مردم بفروشد.
۲. آن مرد با شیر به بازار رفت تا آن را به مردم بفروشد.
۳. آن مرد شیر را به بازار برده تا آن را به مردم بفروشد.
۴. آن مرد با شیر را به بازار رفته بود تا به مردم بفروشد.

(احرازریه‌ای)

۸۴. **«كانت محارِبُ اللَّيْلِ قد عرفت عن عبادة جنودنا في الحرب العدوانيَّة أشياء كثيرة.»**

۱. رزمگاه‌های شب از عبادت شجاعان ما در جنگ تحمیلی آگاه بودند و چیز زیادی را می‌دانستند.
۲. عبادتگاه‌های شبانه از عبادت قهرمانان ما در جنگ تحمیلی چیزهای زیادی می‌شناختند.
۳. محراب‌های شب از عبادت سربازان ما در جنگ تجاوزگرانه چیزهای زیادی را شناخته بودند.
۴. محراب‌های شب از عبادت سربازان ما در جنگ تجاوزگرانه چیز زیادی را متوجه شده بود.

(احرازریه‌ای)

۸۵. **«في تاريخ أمتنا العريقة كثير من الشعراء كانوا من طبقة النساء الفاضلات.»**

۱. در تاریخ اصیل ملت ما بسیاری از شاعران هستند که از طبقه زنان لاهل برخاسته‌اند.
۲. در تاریخ ملت اصیل ما بسیاری از شاعران لاهل از طبقه زنان برخاسته‌اند.
۳. در تاریخ ریشه‌دار امت ما شاعران بسیاری از طبقه زنان لاهل بوده‌اند.
۴. در تاریخ امت ریشه‌دار ما بسیاری از شاعران از طبقه زنان لاهل بوده‌اند.

پیش‌مفهوم و درک

(احرازریه‌ای)

۸۶. **عَيِّن الجواب السَّحيح لهذا السَّؤال: «متى تُسافر إلى القرية؟»**

۱. اسافر في أيام العطلة.
۲. تسافر إلى القرية في أيام العطلة.
۳. تسافرون إلى القرية في أيام العطلة.

۸۷. **«اللَّهُمَّ كما حَسَّنْتَ خلقي فحَسِّنْ خلقي.» عَيِّن الأبيد عن المفهوم:**

۱. محسن الخلقى تصت الذين.
۲. من ساء خلقه غَدَّب نفسه.
۳. خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوتكم.
۴. ليس شيء أثل في الميزان من الخلقى الخسيرا.

(احرازریه‌ای)

۸۸. **اقرأ النّص التالي يدقّه، ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النّص:**

«من المؤكّد أن الكلب حيوانٌ يعيش على تناول اللحم والعظم، ولكن أدرك العلماء أخيراً إنّ الكلب إذا اشتدّ به الجوع ولم يجد طعامه المحبّب، يتلجأ إلى تناول النباتات والأعشاب و أنه يقدر أن يبقى على هذه الحالة حتى آخر عمره. وقد أكد العلماء أنّ الكلب الذي يتعوّد أكل النباتات يتنى بعد فة أطمعته المحبّبة، أي: اللحم والعظم، ويصبح حيواناً نباتياً. هذا الكلب يفقد الكثير من صفات الكلب العادي، ويعمل وكأنه حيوان آخر.»

متى يصبح الكلب حيواناً نباتياً؟

۱. إذا تناول العظم واللحم.
۲. إذا عاش قرب الأعشاب والنبات.
۳. إذا وجد طعامه المحبّب.
۴. إذا لم يجد عند اشتداد جوعه لحماً ولا عظماً.

عَيِّن الخطأ:

۱. الجوع هو السبب لتغيير عادات الكلب.
۲. أكل النباتات يُرجّح تناول العشب والنبات.
۳. لا يمكن تغيير عادات الحيوانات.
۴. الحيوان النباتي، إضافة إلى تغييراته الغذائية، تتغير عاداته الأخرى.

۹۰. **عَيِّن السَّحيح: الكلب النباتي هو الكلب الذي**

۱. يتناول الأعشاب واللحوم و.
۲. يتغير كثير من عاداته الغذائية و.
۳. تبدلت عاداته الغذائية فقط.
۴. أصبح حيواناً آخر يشبه سائر الكلاب.

پیش‌خوانم

(احرازریه‌ای)

۹۱. **عَيِّن ما ليس فيه إسمٌ تفضيل:**

۱. أخي أفضل مِنِّي في الدرس.
۲. هذا الجيلٌ أعلى جيلٍ في بلادِي.
۳. الخبزٌ فيما نَجِبُهُ.
۴. تعليم الأطفال خيراً الأعمالِ.

عَيِّن إسمَ التّكآن:

۱. ليس شيءٌ أثقل في الميزان من الخلقى الخسري.
۲. لا ترفع صوتك فوق صوت والدَيْتِ.
۳. ربي صانع كلِّ مضمون.
۴. في حديثنا أروع كتاب.

(مراستی مشر)

٩٣. عین اسم التفضیل مجروراً بحرف الجز:
- ١ یشدیدی تیاره آجتل من هذه السياره.
 - ٢ مساعده الناس من أحب الأعمال عند ربی.
٩٤. کم اسم تفضیل فی هذه العبارة؟ «قلب القلم أشد قسوة من الحجر بل هو أفضل.»
- ١ واحد
 - ٢ ثلاثة
 - ٣ اربعة
 - ٤ اثنان
٩٥. عین الصحیح عن التأوی؟
- ١ اسم الفاعل
 - ٢ اسم المفعول
 - ٣ اسم المكان
 - ٤ المصدر
٩٦. عین الصحیح عن «أعلم» على حسب الترتیب؟ «أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه و إني أعلم ما لا تعلمون.»
- ١ اسم التفضیل - اسم التفضیل
 - ٢ اسم التفضیل - الفعل المضارع
 - ٣ الفعل المضارع - اسم التفضیل
 - ٤ الفعل المضارع - الفعل المضارع
٩٧. عین ما فیہ اسم التفضیل أكثر:
- ١ تؤثرون الحياء الدنيا و الآخرة خير و ابني.
 - ٢ خير الأمور اوسطها.
٩٨. عین ما ليس فیہ اسم التفضیل خيراً:
- ١ إن رتک هو أعلم بکن شل عن سيله.
 - ٢ أنا الفدر منک على تهیة الخبز.
٩٩. عین اسم المكان مفعولاً:
- ١ كانت مكتبة جندي سبور أكبر مكتبة في العالم.
 - ٢ اری مسجداً كبيراً في المدينة.
١٠٠. عین نوع الأسماء على الترتیب. «ذهبت إلى متجر بالعب الملابس الذي عنده سراويل أفضل.»
- ١ اسم المفعول - اسم الفاعل - اسم التفضیل
 - ٢ اسم المكان - اسم المفعول - اسم التفضیل
 - ٣ اسم المفعول - اسم المبالغة - اسم الفاعل
 - ٤ اسم المكان - اسم الفاعل - اسم التفضیل

آزمون (درس اول)



الامتحان		ردیف												
0/5	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) ينشئ الاسم السوء بعد الإيمان، _____ ب) ذهبت إلى المطبعة _____	1												
0/5	أكتب في الفراغ الكلمتين المتضادتين و الكلمتين المتضادتين. (موتى، زُتم، لحم، عسى، أحياء) الف) _____ - _____ ب) _____ * _____	2												
0/5	عين الكلمة الغريبة في التقى: الف) تجسس، استهزاء، تواصل، سوء الطبخ ب) أحسن، غير، أمدى، أحي	3												
0/5	أكتب مفرد أو جمع الكلمتين: الف) الجمع لكلمة محزون _____ ب) المفرد لكلمة اليهائم _____	4												
مهارت ترجمه به فارسي														
4	ترجم الجمل التالية إلى الفارسية: الف) هو محاولة ليخبر أئساف أسرار الناس لظنهم و هو من خيار الذنوب. ب) لا يكون بين الناس من هو أحسن منا، فقلنا أن نتبع عن العجب. ج) أدع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسن. د) تم سحر هذا القميص الرجائي؟ ليس شيء أقل في الميزان من الكفتي الحسن.	5												
1/5	ترجم العبارات التالية. <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>أعطي</td> <td>جاءهم</td> <td>أن لحاظ</td> </tr> <tr> <td>_____</td> <td>_____</td> <td>_____</td> </tr> <tr> <td>أرض</td> <td>تحدث</td> <td>لا يملك</td> </tr> <tr> <td>_____</td> <td>_____</td> <td>_____</td> </tr> </table>	أعطي	جاءهم	أن لحاظ	_____	_____	_____	أرض	تحدث	لا يملك	_____	_____	_____	6
أعطي	جاءهم	أن لحاظ												
_____	_____	_____												
أرض	تحدث	لا يملك												
_____	_____	_____												
مهارت شناخت و کاربرد قواعد														
1	عين اسم المكان و اسم التفضيل في هذه العبارة و ترجمتهما: «ذلك متجزئ زميلي له سراويل أفضل» اسم المكان _____ معناه _____ اسم التفضيل _____ معناه _____	7												
1	عين المحل الإعرابي للكلمات التي أشير إليها بخط. الف) أفضل الأعمال لكسب من الحلال. _____ ب) أنزل الله سكينته على المؤمنين. _____	8												
0/5	عين المطلوب: إنما يُعبدت لأتمم مكارم الأخلاق. (الفعل المجهول، جمع مكرس)	9												

آزمون ۳ (نیم سال دوم)

والعربی

۱. ترجم الكلمات التي تحتها خط (كلماتي را كه زیرش خط کشیده شده ترجمه کن)
الف) كانت تلقي محاضراته. ب) تخطوا إلى الكذب على مواته. /۵
۲. أكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين.
(التَّجِيع - غِيَم - عَسَى - الجَمال - زُيْمًا)
الف) _____ - _____ ب) _____ ۵
۳. عرِّن الكلمة العربية في المعنى:
الف) الكَذَاب، الغَفَار، جِوَال الجِئَار ب) اتقى أمم أحقر، أعلى /۵
۴. أكتب مفرداً أو جمعاً للكلمتين:
الف) الجمع بالحاسوب. ب) المفرد بالأسنان. /۵

مهارت ترجمه به فارسی

- ترجم الجُمْل التالية إلى الفارسيّة:
الف) جايلهم بالتي هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله.
ب) كان بينهم طالب فشاغف قليل الأدب يقرأ الطلاب بسلوكه.
ج) كان العرب ينطقون الكلمات الأجنبية وفقاً لاستقامتهم.
د) أوصت شميل زملاءها أن يشكّلوا فريقاً للحوار الثقافي.
هـ) ما الجامل يجيب ليل أن يسمع و يحكم بما لا يعلم.
و) عهقت رابع شديدة خرجت تيناً جنب شاطئ البحر.
ز) قد يدفن الشنجات بعض جوزات البلوط السلمية. /۵
۶. اشرح الترجمة الصحيحة: (ترجمه درست را انتخاب کن)
الف) سئل النبي: أي مال خير؟
۱. برسيده شد.
ب) يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من القرن. أي كسائي كه ايمان آورديد.
۱. به بسياری از گناهان اعتماد نكنيد.
۲. از بسياری گمانها دوري كنيد. /۵
۷. كمل الفراغات في الترجمة الفارسية.
الف) أمرني بأداء الفرائض _____ به انجام
ب) تارة يهمنس إلى الذي جنبه _____ يا كسي كه كنارش بود
ج) الناس نيام قاندا ماتوا التيهوا. مردم _____ پس وقتي بيميرند /۵

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

- ترجم الكلمات التي تحتها خط.
الف) كنتُ قد بحثت عن
ب) التلاميذ لن يسألوا في هذه الأيام.
ج) علينا أن لا نخرج الآخرين.
د) لا تياسوا من رحمة الله.
هـ) لا تنسى مكانه.
و) يسئني مظالم: التقدم الحضارة.
ز) كان عندكم كتب مفيدة.
ح) ترجم ما أشير إليه بخط. /۲

٩	عین المطلوب منك: الف) تَکَلَّمُوا تَکَلَّمُوا (نوع الفعل) _____ ب) لا تَسْتَشِيرُ الْکَذَّابَ (نوع طاء) _____ ج) تَحِثُّ _____ تمارين من اللرس _____ (الثالث، ثلاثة / السابع / سبعة)	١												
١٠	الف) اكتب ترجمة ما أشير إليه بخط: ١. لِيُبَيِّنَ عَنِ الْكُذْبِ _____ ٢. اصْبِحِ الْجَوُّ بَارِدًا فِي مَنَا الْهَيْفِ _____ ٣. لَسْتُمْ مَتَكَلِّمِينَ _____ ٤. لَمْ يَلْتَقُوا إِلَيْهِ _____ ب) ترجم هذه العبارة. حقلِّي الإنسان أن لا يتدخل في موضوع يعرض نفسه للتهمة	١/٥												
١١	انتخب كلمة مناسبة للفراغ: الف) ما يريد الله _____ عَلَيَّكُمْ مِنْ خَرَجٍ (لِيَجْعَلَ / لَا يَجْعَلَ / لِيَجْعَلَ) ب) أزيد _____ إِلَى سَوَاقِ الْخَطَابِ (أَنْ أَذْعَبَ / لَمْ أَذْعَبَ / إِنْ أَذْعَبَ)	٠/٥												
١٢	عین المحل الإعرابي للكلمات التي أشير إليه بخط: الف) هو محاولة فيحة لكشف أسرار الناس _____ ب) قد بين علماء اللغة أبعاد منا التأثير في دراساتهم _____	١												
١٣	عین اسم التفضيل، اسم التكره و فعل الشرط لم ترجمها. الف) في أي مدينة تقع أكبر المكتبة؟ ب) ما تنتقوا من غير علمه الله	١/٥												
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>فعل الشرط</th> <th>معناه</th> <th>اسم التفضيل</th> <th>معناه</th> <th>اسم التكره</th> <th>معناه</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	فعل الشرط	معناه	اسم التفضيل	معناه	اسم التكره	معناه							
فعل الشرط	معناه	اسم التفضيل	معناه	اسم التكره	معناه									
مهارت درک و فهم														
١٤	عین الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع: ✓ x الشعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل. الانكاف هو التجمع و الدوران حول شيء. المشك يطبخ بخذ من نوع من الفولان. لاعباءة مثل التكر.	١												
١٥	عین العبارة الفارسية المناسبة للعبارة العربية: ١. خير الأمور أوسطها. الف) كم گوی و گریده گوی چون در / تا ز اندک تو جهان شود بر ٢. عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل. ب) اندازه نکه دار که اندازه نکوست / هم لایق دشمن است و هم لایق دوست ٣. خير الكلام ما قل و دل.	٠/٥												
١٦	عین الكلمة المناسبة: الف) التي أستاذ الجامعة _____ حول شميل. محاضرة / مسجلاً ج) إنها ثاني أكبر مدينة في تركيا بعد إسطنبول. قونية / انقره د) لم ينجح بل خيسر. قيشل / تديم	١												
١٧	أجب عن الأسئلة: الف) كيف يجب على الطالب أن يجلس أمام المعلم؟ _____ ب) يتم تذهب إلى المدرسة؟ _____	٠/٥												
مهارت مکالمه														
١٨	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. الأدوية - استم - الأدوية - في نهاية - ين - استم - المششوصف - أين - همز ؟ -	٠/٥												



پاسخنامه

خودآزمایی

جمله ها را ترجمه کن سپس زیر اسم تفضیل یک خط و زیر اسم مکان دو خط بکش.

- الإعجاب بالثمن من أبيع الأعمال خودبستگی از زشت‌ترین کارهاست.
- افتتح أكبر مكتبة في مدرستنا بزرگ‌ترین کتابخانه در مدرسه ما افتتاح شد.
- أكلنا في المطعم الأ طعام در رستوران لذیذترین غذا را خوردیم.
- الحياة حسنة ولكن في النساء أحسن حیا نیکوست: ولی در زنان نیکوتر است.
- خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم بهترین برادران شما کسی است که به شما عیب‌هایتان را هدیه دهد.
- شئ الناس من لا يعتقد الأمانة بدترین مردم کسی است که به امانت اعتقاد ندارد.
- تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة. یک سال تفکر بهتر از ۷۰ سال عبادت است.
- ذلك متجر صديقي. این مغازه دوستم است.

تمرین های تشریحی

- الف) کلمات مشخص‌شده را ترجمه کن.
- آلوده شدن به گناه / تا کامل کنم.
 - ارتباط / مغازه
 - به آن‌ها لقب ندمید / کم شد گمراه شد.
 - گناه / دورو
- ب) مترادف و متضاد را مشخص کن.
- عسی - رثما / ذنب - اثم / عاب - لمز / التسانج - الزجاجة / أغلى - أرخص / غالي - رخيص / العائل - الجامل / ساء - حسن / ميت - حي / حقي - ظالم

- ج) مفرد و جمع کلمات را بنویس.
- مفرد: كِبَار، كَبِيرَة / الثَّابِ لَب / أَرَادَلَه / أَرَادَل / أَفْهَل، أَفْهَل / أَمَوَات، هَيْت / تَرَاوِيل، سِرْوَال
 - جمع: بَهِيمَة، بَهَائِم / تَتَبَّه، أَسْبَاب / فَتَكَبَّه، مَكْتَاب / يَبْعَر، أَسْعَار / زَمِيل، زُمَلَاء / فُسْتَان، فُسَاتِين

- د) فعل‌های زیر را ترجمه کن.
- آن را ناپسند می‌دارند / گاهی می‌باشد / جاسوسی نکنید / با آن‌ها ستیز کن / به من بده / فرستاده شدم / چیره شد / پناه می‌برم / اعتقاد ندارد / نامید.

- الف) عبارات را ترجمه کن.
- گاهی بین مردم کسی است که از ما بهتر است.
 - بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی را بجویی که مانند آن در خودت باشد.
 - تلاشی زشت است برای آشکار ساختن رازهای مردم برای رسوا کردنشان که از گناهان بزرگ است.
 - غیبت از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.
 - همانا پروردگارت به هر کس که از رامش گمراه شد، داننا تر است.
 - بیراهن سفیدی از مغازه دوستم خریدم.
 - هر کس اخلاش بد شود خودش را عذاب می‌دهد.
 - ای پوشاننده عیب‌ها و ای دانای نهان‌ها.
 - آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مردمش را بخورد؟ این کار

را ناپسند می‌دارید، از خدا پروا کنید. خداوند توبه‌پذیر مهربان است.

۱۷. خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنان نازل کرد.

ب) جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.

- ای کسانی که ایمان آوردید نباید مردمانی مردم دیگر را مسخره کنید. شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند نه زنانی زنان (دیگر) را (نباید مسخره کنند).
- آن تلاشی زشت است برای کشف اسرار مردم برای رسوایی‌شان است.
- آیه اول ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید، از دیگران عیبجویی نکنید.
- بر ما لازم است که از خودبستگی دوری کنیم و این‌که عیب‌های دیگران را ذکر نکنیم.
- بهترین دوستان شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد.
- خداوند کسی را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کند.
- در میزان چیزی سنگین‌تر از خوش اخلاقی نیست.

- ج) ترجمه مناسب را انتخاب کن.
- | | |
|---------|---------|
| ۲۵. الف | ۲۸. ب |
| ۲۶. ب | ۲۹. الف |
| ۲۷. الف | ۳۰. الف |

- الف) موارد خواسته‌شده را مشخص کن.
- أحسن اسم تفضیل / التلس، مضاعف إليه
 - أَتَبَّر، مَبْتَدَأ / فَيْتَه، جَار و مَجْرُور
 - أَسْرَار، كِبَار، التَّذْوِيه، جمع مَكْسَر
 - التَّوَاهُل، مصدر فعل گروه دوم / أَمَّتْ، اسم تفضیل
 - هَلَّ، فعل ماضی / أَعْلَمَ، اسم تفضیل
 - أَبْصَح، صفت / مَتَجَرَّ، اسم مکان
 - خَلَقَ، فاعل / تَسَّ، مفعول
 - سَلَّ، عَلَامَة، اسم مبالغة
 - أَخَذَ، فاعل / مفعول
 - سَكِنَتْ، مفعول / رسول، مجرور به حرف جر

- ب) عملیات ریاضی را بنویس.
- | | |
|-------------|-------------|
| ۴۳-۱۸-۹۰۰۵ | ۴۶-۱۱-۱-۱۲ |
| ۴۴-۱۰۰-۲۰۰۵ | ۴۷-۳۳-۶۶-۹۹ |
| ۴۵-۳۰-۱۷۰۱۳ | |

- ج) موارد خواسته‌شده در جملات و ترکیب‌ها را بنویس.
- اسم تفضیل: أكبر / جار و مجرور: من أكبر / في مكتب مصدر، الاستهزاء
 - فعل نهی: لا تَقْبُوا / جمع مَكْسَر، أَلْتَاب / مَل مفعول
 - اسم فاعل: خالق / اسم مفعول: مخلوق / اسم مبالغة: غَنَّاظ
 - فعل امر: اغفر / ضمیر دوم شخص، أنت / تشش و أرحمته، خبر
 - اسم تفضیل: شر / تشش الحیانه، مفعول / نوع فعل: «لا یعتقد» مضارع منفی
 - الأفاهل، فاعل / مفرد و الأفاهل، أفضل / معنی و أراذله، فرومایگان
 - فاعل: الآية مفعول نا / صفة: الأولى

- د) جواب صحیح را انتخاب کن.
- فعل مجهول: یَعْتَد
 - مترادف و اِثْم، ذَنْب
 - كَلِمَة مناسبه لهذه العبارة سوء الظن
 - اسم تفضیل: خیر
 - خبر: امر
- ه) جدول را کامل کن.

الماضي	المضارع	الأمر / النهي
قد أحسنت	تحسبن	أحسبوا
نیکی کردی	نیکی می‌کنیم	نیکی کنید

الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تُحسِنونَ	إحسان	ح-س-ن
نیکی نمی کنید.	نیکی کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
اجتنب	سوف یجتنبان	اجتنبوا
دوری کرد.	دوری خواهند کرد.	دوری کنید.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تجتنب	اجتنب	ح-ن-ب
دوری نمی کنید.	دوری کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
عذبتا	تُعذبن	لا تُعذبن
عذاب دادند.	عذاب می دهید.	عذاب ندهد.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما عذبت	تعذیب	ع-ذ-ب
عذاب نداد.	عذاب دادن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
استرجعوا	یسترجعون	استرجعوا
پس گرفتند.	پس می گیرند.	پس بگیرید.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تسترجعون	استرجاع	ر-ج-ع
پس نمی گیرید.	پس گرفتن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
تعرجنا	سأتعرج	لا تعرجی
دانش آموخته شدیم.	دانش آموخته خواهم شد.	دانش آموخته نشو.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما تعرجت	تعرج	ع-ر-ج
دانش آموخته نشدم.	دانش آموخته شدن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
قد اشتغلتم	تشتغلن	اشتغل
کار کردید.	کار می کنید.	کار نکن.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تشتغلین	اشتغال	ش-غ-ل
کار نمی کنید.	کار کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
حاول	سوف یحاول	حاولی
تلاش کرد.	تلاش خواهند کرد.	تلاش نکن.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما حاولنا	محاولة	ح-و-ل
تلاش نکردیم.	تلاش کردن	

الف) بر اساس متن به سؤالات پاسخ دهید.

۶۱. کُتِبَ عملٌ نَفِیةٌ بِأَکْلِ لَحْمِ الْأَخِ.

۶۲. لا یَجُوزُ التَّجَسُّسُ فِی أُمُورِ الْأَخْرَیْنِ.

۶۳. سورَةُ الْحَجَرَاتِ.

۶۴. الْعَجَبُ، الْغِیْبَةُ، سَوَاءُ الظَّنِّ، التَّجَسُّسُ وَ.....

۶۵. لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (ع).

۶۶. خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا (المؤمنین).

ب) متن را بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

ترجمه متن، ونهستین مسئولیت زن توجه به خانواده است. اخلاقیاتی که در خارج از خانه دیده می شود نتیجه بذل اولیای است که مادر در خانه کاشته است. مادر در ذهن کودک اخلاقی را که در زندگی اش دنبال خواهد کرد، ترسیم می کند. به همین دلیل، معتقدیم اصلاح واقعی مردم در تربیت دختران است. علاوه بر این از دیگر وظایف زنان شرکت در فعالیت های اجتماعی است و از برترین این فعالیت ها مبارزه با فقر و نادانی و بیماری است.

۶۷. **گزینه ۱** «مادر نمونه کسی است که... وظایف خانوادگی و اجتماعی را یکجا جمع کند.»

ترجمه سایر گزینه ها: گزینه ۲، «با بیماری ها مبارزه کند و پزشک شود و تربیت فرزندانش را بر عهده کند» / گزینه ۳، «بیرون از خانه کار نکند و دوست داشته باشد فرزندانش زیاد داشته باشد» / گزینه ۴، «به وظایف اجتماعی نپردازد و به تربیت فرزندانش برسد.»

۶۸. **گزینه ۲** «مبارزه با بیماری چگونه از سوی مادر محقق می شود؟» گزینه نادرست «وقتی کودک بیمار شود و پزشکان او را معالجه کنند.»

ترجمه سایر گزینه ها: گزینه ۱، «وقتی که به فرزندانش پرمیز از آلودگی ها را آموزش دهد» / گزینه ۳، «وقتی پزشک شود و بیماری ها را درمان کند» / گزینه ۴، «هنگامی که به تربیت فرزندی سالم اقدام کند»

با توجه به گزینه ها، گزینه ۲ ارتباطی با نقش مادر در درمان بیماری ها ندارد.

۶۹. **گزینه ۴** «اگر تبهکار از خانواده های خوشبخت بهره می برد، چه بسا جرمی مرتکب نمی شد»

گزینه ۱، کودک - زن - ارقام می کند به / گزینه ۲، انسان - فرهنگ - اقدام نمی کرد به / گزینه ۳، خانه - به اخلاق - بخش نمی شد. / با توجه به جمله، گزینه ۴ مناسب است.

۷۰. **گزینه ۴** «مقصود متن، اهمیت نقش زن در اصلاح جامعه»

گزینه ۱، «احترام به مادران در جامعه»

گزینه ۲، «بی توجهی به تربیت پسران در پیشرفت جامعه»

گزینه ۳، «اختصاص تربیت به دختران»

تمرین تستی

۷۱. **گزینه ۲** «در این گزینه متضاد نداریم. متضاد در سایر گزینه ها، گزینه ۱، «ابتعاد دوری» و «تقریب نزدیکی» / «ارزاده فرومایگان»، «افاضل شایستگان» متضاداند. گزینه ۳، «ارخص ارزان تر»، «غالیه گران» متضاداند. گزینه ۴، «لنگ به تنع توه» و «علیک بر هد توه» متضاداند.

۷۲. **گزینه ۳** «ولا یتکلف مضارع منفی، مکلف نمی کند، تکلیف نمی کند» «وَسِع، توانایی»

۷۳. **گزینه ۳** «وَسَاءَ بد شده» و «عَذَبَ عذاب داده مترادف نیستند. (در واقع هیچ ارتباطی بین این افعال نیست)

۷۴. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه ها: «جمع اکبر، آتابر» (جمع اسم تفضیل بر وزن «افاعل» است) و «لحم، لحوم» و «ذنب، ذنوب»

۷۵. **گزینه ۱** «ولا تُقْبِیْمُ بِالْغَیْبِ» به آن ما لقب های ندمیده (القاب - جمع) (ردگزینه های ۲، ۳ و ۴) «بکره منهد» آن را ناپسند می دارند، ناپسندشان می دارند. «بکره من - مضارع، سوم شخص جمع / ما - مفعول (آن را) (ردگزینه های ۲، ۳ و ۴)

۷۶. **گزینه ۳** «وَحِبَّ، دوست دارد» (فعل مضارع) (ردگزینه ۲) «وَأَحْلَمَ، کسی از شاه» (ردگزینه ۱) «وَأَحْبَهُ مینه برادر مردمش» (ردگزینه های ۱، ۲ و ۴) «وَحَرَمْتَهُمُ آن را زشت می شمارید، آن را ناپسند می دارید» (ردگزینه ۱)

۷۷. **گزینه ۲** «وَتَصَحَّحْنَا الْآیَةَ الْأُولَى، آیه اول ما را تصحیح می کنید» (تصحیح - فعل مضارع / نا - مفعول (مارا) / «وَالأُولَى» (صفت برای آیه) (ردگزینه ۱ و ۴) لا تصیبوا الآخرین، از دیگران عیب جویی نکنید. (ردگزینه ۳) (ردگزینه ۳ «هرگز زائد و در گزینه ۴ «ابتداء زائد است. «وَالأُولَى» صفت برای «آیه» است)

۷۸. **گزینه ۲** «وَالشَّیْبَ بیری» (ردگزینه ۳) و در گزینه ۱ «همیر» و «وَأَن مَاءَ زائد است. / «علی الشیاب» بر جوانان لازم است، جوانان باید» (ردگزینه